در گفت‌وگو با پیمان حاج محمود عطار، وکیل دادگستری ارزیابی شد

اما و اگرهای اثبات اتهامات امنیتی برای متهمان حوادث اخیر

عکس: کوشا مهشید فلاحی، میزان

شرق: محاکمه بازداشت‌شدگان و متهمان اعتراضات اخیر در حال برگزاری است و بسیاری هم ازجمله روزنامه‌نگاران بازداشتی و فعالان مدنی، سیاسی و دانشجویی هم در انتظار تعیین تکلیف پرونده‌های خود هستند. نقطه مشترک پرونده اکثر متهمان اخیر نیز اجتماع و تبانی علیه امنیت و تبلیغ علیه نظام است؛ جرائمی که در صورت اثبات تا پنج سال حبس را می‌تواند برای متهمان جاری کند، تازه اگر این اجتماع و تبانی، محاربه در نظر گرفته نشود. البته شرایط محاربه در قانون ذکر شده که استفاده از سلاح و جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد یا قیام مسلحانه و موارد این‌چنینی را شامل می‌شود.

پیمان حاج‌محمود عطار، وکیل دادگستری، در بررسی ارکان جرائم مشترکی که به متهمان در شرایط سیاسی این روزهای کشور منتسب می‌شود، به «شرق» گفت: بیشترین جرمی که درحال‌حاضر برای متهمان جرائم امنیتی انطباق یافته است، جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام موضوع ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی «تعزیرات» و اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرائم ضد امنیتی داخلی یا خارجی کشور موضوع ماده ۶۱۰ همان قانون است.

هنگامی که به دو ماده مزبور از قانون مجازات اسلامی و تفسیری که استادان بزرگ حقوق جزای ایران ازجمله دکتر میرمحمد صادقی و دکتر محمدجعفر حبیب‌زاده از این دو جرم امنیتی بیان کرده‌اند، ارکان متشکله هریک از این دو جرم مشخص شده است، ابتدا برای بررسی ارکان متشکله بزه فعالیت تبلیغی علیه نظام اسلامی ماده ۵۰۰ قانون تعزیرات را که به این جرم پرداخته است، عینا نقل می‌کنیم: «هرکس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی کند، به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد». با نگرش بر این ماده ارکان متشکله فعالیت تبلیغی علیه نظام اسلامی عبارت‌اند از «فعالیت تبلیغی» است. به این معنا که کسی مشمول جرم مندرج در این ماده قانونی می‌شود که فعالیتی را به صورت مستمر و گسترده و به دفعات به صورت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی انجام داده باشد. به‌عنوان نمونه در فضای مجازی چندین نوبت مطالبی را علیه نظام بیان کرده باشد و صرف اینکه یک نفر یک بار یک خبری یا موضوعی را ولو علیه نظام اسلامی منتشر کند، «صرف یک بار» اقدام فعالیت تبلیغی محسوب نمی‌شود.

رکن دوم برای احراز این جرم فعالیت تبلیغی به شرح بالا علیه ارکان نظام جمهوری اسلامی ایران است. ارکان اساسی نظام جمهوری اسلامی عبارت‌اند از «جمهوریت، اسلامیت و ولایت فقیه» و هرکسی که علیه این سه رکن اساسی نظام فعالیت تبلیغی به صورت مستمر و مکرر کند، مشمول ماده ۵۰۰ تعزیرات خواهد بود.

او در پاسخ به این پرسش که بسیاری از دستگیرشدگان و متهمان امروز در تجمعات خیابانی یا دانشگاهی حضور داشته‌اند، این حضور و شعاردادن و نوشتن گزارش یک رسانه مشمول فعالیت علیه نظام می‌شود یا خیر، گفت: شعاردادن با فعالیت کاملا متفاوت است. انتقادکردن و حتی شعاردادن نمی‌تواند به معنای فعل ارتکابی در این قانون باشد، همچنین نوشتن گزارش در یک رسانه نیز به معنای فعل تبلیغ علیه نظام نیست. او ادامه داد: مثلا یک نفر کانال تلگرامی بزند و روزی چندین بار مطلب با محتوای تبلیغ علیه جمهوریت، اسلامیت و ولایت فقیه منتشر کند، فعل او در این ماده قانونی جای خواهد گرفت؛ اما شعاردادن در خیابان یا تهیه یک گزارش خبری و رسمی، خیر شامل این ماده نیست. او در ادامه افزود: اگر کسی حتی فعالیت تبلیغی علیه نهادهای دولتی، اجرائی، قضائی و... مادون سه رکن فوق کند ولو آنکه به صورت مستمر انجام شود «ایرادهای وزارت راه یا قانون مجازات و...» را بازگو کند، یا همان‌گونه‌که شاهد اعتراض‌های معلم‌ها با عدم هماهنگ‌سازی حقوق یا اعتراض بازنشسته‌ها به عدم افزایش حقوق‌شان یا اعتراضات کارگران نیشکر هفت‌تپه بودیم، هیچ‌یک از اقدامات رسانه‌ای یا تبلیغی این اشخاص به جهت آنکه علیه سه رکن نظام جمهوری اسلامی ایران نیست؛ بلکه در قالب آزادی بیان و فریضه امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح ساختار سازمان مورد انتقاد است؛ به‌هیچ‌عنوان قابل انطباق با جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام اسلامی محسوب نمی‌شود. این وکیل دادگستری در توضیح ارکان متشکله جرم اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرائم امنیتی هم توضیح داد: رکن اول احراز این جرم این است که حداقل دو نفر یا بیشتر با یکدیگر به صورت حضوری یا مجازی یا تلفنی تبانی و هماهنگی کنند که مشترکا یک جرم یا چند جرم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور را مرتکب شوند که در قانون مجازات اسلامی جرائم امنیتی تعیین شده‌اند؛ مانند جاسوسی، تخریب اموال عمومی، بمب‌گذاری و... .

او افزود: برای احراز جرم اجتماع و تبانی باید دو نفر یا بیشتر با هم تبانی کنند که یکی از جرائم فوق را مرتکب شوند. حتی پس از این اجتماع و هماهنگی و تبانی موفق به ارتکاب آن جرم نشوند، صرف این تبانی و هماهنگی بین این دو یا چند نفر به استناد ماده ۶۱۰ قانون تعزیرات جرم محسوب شده و مشمول مجازات مقرر است.

این وکیل دادگستری در پاسخ به این سؤال که اکنون دو خبرنگار که درباره مهسا امینی گزارش تهیه کرده‌اند و با رعایت ضوابط کار رسانه‌ای در ایران در رسانه‌های رسمی جمهوری اسلامی منتشر کرده‌اند، در زندان هستند، آیا می‌توان بر عمل ارتکابی آنها عنوان مجرمانه قائل شد؟ گفت: در قضیه خانم نیلوفر حامدی و الهه محمدی که برابر اطلاع واصله متهم به ارتکاب یکی یا هر دو جرائم فعالیت تبلیغی علیه نظام اسلامی و اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرائم امنیتی شده و تحت پیگرد قضائی قرار گرفته‌اند، پرسش اینجاست که بنا بر سوابق و شرایطی که در بالا برای ارکان متشکله جرم فعالیت تبلیغی آورده شد، فعل این دو در این مواد قانونی جای می‌گیرند یا خیر؟ او ادامه داد: خانم نیلوفر حامدی که گفته می‌شود فعل فیزیکی نام‌برده صرفا انتشار یک عکس منتسب به مرحومه مهسا امینی «پدر و مادر مرحومه در بیمارستان» در فضای مجازی بوده است و به جز انتشار این عکس هیچ فعالیت تبلیغی دیگری نداشته و انتشار آن هیچ آسیب و خللی به ارکان سه‌گانه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران «جمهوریت، اسلامیت و ولایت فقیه» نداشته است، چگونه می‌تواند مشمول جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام شود؟ بنابراین این اتهام بر رفتار این خبرنگار وارد نیست.

همچنین چنانچه به اتهامی درباره اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم امنیتی منتسب شده باشد، خانم نیلوفر حامدی به استناد ماده ۶۱۰ قانون تعزیرات با چه شخص یا اشخاصی برای ارتکاب چنین جرائمی اجتماع و تبانی کرده است!؟ او در راستای وظایف خبرنگاری خود در حال انجام وظیفه بوده است. عطار ادامه داد ایراد دیگر در پرونده خانم حامدی این است که بر فرض محالی ایشان با شخص یا اشخاص دیگر برای ارتکاب جرم امنیتی اجتماع یا تبانی کرده باشد، آن جرم امنیتی که نام‌برده با شخص دیگر، برای ارتکاب آن در آینده اجتماع و تبانی کرده، چه جرمی بوده است؟ او تأکید کرد: باید صریح بگوییم که در این مورد اتهامی اول باید تبانی انجام شود، بعد جرم واقع شود. شما می‌دانید تفاوت جرم خیانت در امانت با کلاهبرداری چیست؟ در خیانت در امانت اول باید مال امانی به امین سپرده شود، بعدا جرم خیانت در امانت رخ دهد؛ یعنی مقدمه و شروع به این جرم به امانت سپردن مال به امین است؛ اما در کلاهبرداری اول عملیات مجرمانه انجام می‌شود که منجر به دریافت مال می‌شود و جرم کلاهبرداری رخ می‌دهد؛ بنابراین اجتماع و تبانی هم مقدمه ارتکاب جرم است. وقتی خبرنگاری عکسی گرفته و منتشر کرده، بعدا کامنت‌ها آمده و عکسی بازنشر شده، اینجا تبانی کجا بوده؟! درخصوص تهیه گزارش هم چه خانم نیلوفر حامدی و چه خانم الهه محمدی نیز صرفا عمل فیزیکی تهیه گزارش به‌عنوان یک خبرنگار را انجام داده‌اند. خانم محمدی از مراسم سوگواری خانم مهسا امینی با سفر به سقز و ارائه گزارش کتبی به مدیرمسئول و سردبیر روزنامه خود اقدام کرده است. او ادامه داد مسئولیت انتشار این گزارش در روزنامه یا انتشارنیافتن آن برعهده خبرنگار و تهیه‌کننده گزارش نبوده؛ بلکه برابر قانون مطبوعات مدیرمسئول و سردبیر روزنامه دارای مسئولیت هستند و اتهامی متوجه خانم محمدی که صرفا در راستای دستور سردبیر به محل سوگواری اعزام شده و گزارش تهیه‌شده خود را عینا تحویل مسئولان نشریه داده است، نیست. عطار همچنین افزود: حتی اگر بخواهیم اتهامی به نام‌برده بار کنیم، ارکان متشکله فعالیت تبلیغی و اجتماع و تبانی نیز به او منتسب نخواهد شد؛ چون خانم محمدی به صورت مستمر فعالیت تبلیغی علیه ارکان نظام جمهوری اسلامی نداشته و با هیچ‌کس دیگری برای ارتکاب جرم علیه امنیت کشور اجتماع و تبانی نکرده است. اقدامات او در تهیه گزارش و ارائه آن به مسئولان روزنامه و سپس صلاحدید مسئولان روزنامه در انتشار آن مسئولیت قضائی احتمالی آن را بر مدیرمسئول روزنامه بار خواهد کرد و خبرنگار و تهیه‌کننده گزارش یعنی خانم محمدی فاقد هرگونه مسئولیت قضائی در این زمینه خواهد بود.

اخبار برگزیده

سخنگوی قوه قضائیه با اشاره به وضعیت خبرنگاران بازداشتی «شرق» و «هم‌میهن»

پرونده دو خبرنگار در شرف تصمیم نهایی است

سخنگوی قوه قضائیه می‌گوید پرونده نیلوفر حامدی و الهه محمدی، خبرنگاران بازداشتی روزنامه‌های شرق و هم‌میهن، در شرف اتخاذ «تصمیم نهایی» است. مسعود ستایشی در نشست خبری از بیان آمار مربوط به کشته‌های حوادث اخیر خودداری کرد و در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه آقای القاصی، رئیس دادگستری استان تهران، دوشنبه ۹ آبان گفته بود که تاکنون قریب به هزار فقره کیفرخواست در استان تهران برای بازداشتی‌ها صادر شده است. آیا این تعداد تا امروز افزایش یافته و برای رسیدگی به این پرونده‌ها چند شعبه دادگاه در نظر گرفته شده است؟ گفت: تاکنون ۱۰۲۴ مورد کیفرخواست صادر شده است. قطعا رسیدگی به اغتشاشگران و تفکیک آنها با دقت کامل انجام می‌شود و رسیدگی متضمن مؤلفه سرعت و دقت و صحت خواهد بود و این اقدامات باید بازدارندگی و عبرت‌آموزی داشته و پشیمان‌کننده باشد و تمام تلاش این است که حقی از احدی تضییع نشود. وی افزود: دادگاه‌ها علنی است مگر اینکه قرار غیرعلنی صادر شود. به تعداد متناسب با حجم فرایند نتایج حاصل می‌شود. سخنگوی قوه قضائیه افزود: چهار شعبه «دادگاه انقلاب» برای رسیدگی به این پرونده‌ها تعیین شده است. یک شعبه «دادگاه کیفری دو» برای سرعت در رسیدگی و یک شعبه «دادگاه کیفری یک» برای رسیدگی به جرائم مهم در نظر گرفته شده است. همچنین در شهرستان‌های تهران مثل اسلامشهر و دماوند و پردیس و ورامین یک شعبه «دادگاه انقلاب» اختصاص داده شده است. سخنگوی قوه قضائیه درباره تعداد بازداشتی‌های حوادث اخیر در مدارس و دانشگاه‌ها و اینکه آیا استادان دانشگاه و معلمان هم در این بازداشتی‌ها بودند؟ گفت: تعداد انگشت‌شماری هستند و بدانید این تعداد انگشت‌شماری که بازداشت هستند به علت این است که جرائم مهمه مرتکب شده‌اند. وی افزود: دانش‌آموز و دانشجو و معلم و مدرس دانشگاه از بهترین اقشار کشورند و فرهیختگان هستند. ای داد از روزی که کسانی که عزیز ملت‌اند گرفتار یک‌سری مسائل شوند و خدایی‌نکرده در صف آشوبگران قرار گیرند. صف معترض با آشوبگر جداست. سخنگوی قوه قضائیه در پاسخ به سؤالی درباره اینکه دو خبرنگار شرق و هم‌میهن (نیلوفر حامدی و الهه محمدی) به چه اتهامی بازداشت شده‌اند؟ گفت: این دو نفر به اتهام اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت ملی کشور و فعالیت تبلیغی علیه نظام بازداشت شده‌اند و با صدور قرار بازداشت موقت در زندان هستند. وی افزود: پرونده در شرف تصمیم نهایی است. در این فاصله در جمع‌بندی اگر عناوین اتهامی دیگری مطرح شود مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و اگر ثابت شود اقدامات مجرمانه‌ای انجام داده‌اند، قطعا رسیدگی خواهد شد. سخنگوی قوه قضائیه در پاسخ به سؤالی درباره اینکه چه تعداد متهم در رابطه با آشوب در زندان اوین دستگیر شدند؟ گفت: آخرین گزارش از دادسرای تهران ناحیه ویژه جنایی به دست آمده این است که تعداد افرادی که شناسایی شدند و در آشوب بودند افزایش یافته و بازپرس ویژه و دادستان تهران و سرپرست ناحیه مجدانه پیگیر هستند و کسانی که مرتکب جرح و تخریب عمدی شدند و مستحدثات اوین از جمله آمفی‌تئاتر را تخریب کردند دستگیر شدند. وی افزود: ۴۲ نفر تحت تعقیب هستند و ان‌شاءالله نتیجه عمل زشت و غیرقابل دفاعشان را می‌گیرند.

«شرق» از اوج‌گیری اختلافات در اردوگاه اصولگرایی گزارش می‌دهد

تقابل گفتمانی یا نزاع برای قدرت؟!

شرق: دامنه اختلاف در اردوگاه اصولگرایی تا حدی گسترش یافته که این روزها و در کوران حوادث کشور توجه فضای رسانه‌ای را به خود جلب کرده است. در این راستا رسانه‌های متعدد از طیف‌ها و جریان‌های مختلف سیاسی این اختلافات و گسل اصولگرایی را از منظر خود به بوته نقد و تحلیل برده‌اند. اگرچه از همان ابتدای کار مجلس یازدهم اختلافات اصولگرایی (نواصولگرایان و سوپراصولگرایان) آغاز شد، اما هم‌زمان با روی‌کارآمدن دولت سیزدهم این اختلافات ابعاد جدیدی یافت و حتی تشدید هم شد. در دو ماه اخیر که کشور درگیر اعتراضات بود و این مسئله تقریبا بر همه مسائل و امور کشور سایه جدی انداخته بود تا جایی که حتی سیاست خارجی ایران هم تحت‌الشعاع آن قرار دارد، دور جدید و کم‌سابقه‌ای از شکاف اصولگرایی حول تحولات این روزها حکایت از آن دارد که دولت و مجلس به یک دوگانگی نسبی در ارزیابی اتفاقات کشور رسیده‌اند. علاوه بر آن، هم درون مجلس و هم درون دولت نیز این دوگانگی مشهود است. حال اینکه شکاف فعلی اصولگرایی تا کجا ادامه پیدا خواهد کرد و چه تأثیراتی بر عملکرد و رفتار آنها در مواجهه با امور دارد، سؤالی است که پاسخ‌های متعددی برای آن وجود دارد.

◆◆◆

حمله توپخانه‌ای با اسم رمز شومن و تکنوکرات

در حالی که بیشتر تحلیلگران سیاسی دولت سیدابراهیم رئیسی را دولتی با محوریت یک طیف خاص اصولگرا می‌دانند، اما گاهی اعضای کابینه از حملات و انتقادات این طیف بی‌نصیب نمی‌مانند. در جدیدترین مورد آتش توپخانه تندروها به رئیس دولت خودی هم اصابت کرد. رجانیوز، سایت نزدیک به تندروها در مطلبی انتقادی با مخاطب قراردادن رئیسی تأکید کرد: «رئیس قوه مجریه و مشاورانش طی این برهه حساس با نرمالیزاسیون مماشات صورت‌گرفته در قبال شورشیان و ایضا مطالبه بیجای اصلاحات، خواهان این هستند که کشور را در این دامی که پهن شده انداخته و شورش‌های جدیدی را به کشور تحمیل کنند». البته روی سخن اصلی مطلب رجانیوز با عزت‌الله ضرغامی و محمدباقر قالیباف بود.

رجانیوز دراین‌باره نوشت: «اخیرا عزت‌الله ضرغامی در اجتماع تعدادی از دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف و طی نشستی که برای گرامیداشت سیزدهم آبان‌ماه برگزار شده بود، حرف‌ها و سخنانی را به زبان راند که گویی یک اصلاح‌طلب افراطی در مقام وزیر دولت ایراد کرده است. مشخصا علت و پایه این صحبت‌ها نه نشئت‌گرفته از عمق گفتمانی وی بوده و نه ربطی به مطالبه واهی برخی شورشیان در خیابان دارد. علت را می‌توان در همین نشست اخیر او در دانشگاه شریف پیدا کرده و به این جمع‌بندی رسید که عزت‌الله ضرغامی از اتفاقات رخ‌داده در سال‌های ۹۶ و ۱۴۰۰ کینه به دل گرفته و آن را به مثابه ترمزی در مسیر رؤیاپردازی خود می‌داند. استراتژی مورد وثوق این افراد پیرامون اتفاقات اخیر و شورش اقلیت متوحش، تماما در جهت وقیح‌ترشدن این جماعت متوهم بوده که بلاشک در آینده زمینه‌ساز اتفاقات و شورش‌های دیگر نیز خواهد بود».

در ادامه رجانیوز کمافی‌السابق به قالیباف هم تاخت و تأکید کرد ادعای رئیس مجلس پیرامون لزوم اصلاحات و تغییرات مشروع برای حرکت به سمت حکمرانی نو در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در چارچوب نظام سیاسی جمهوری اسلامی آرزوی دیرینه این افراد است که سعی دارند در مقاطع مختلف با اظهارات این‌چنینی به قول خودشان بدنه خاکستری جامعه را جذب کرده و ایشان را در دامان انقلاب حفظ کنند؛ خواه عقب‌نشینی در برابر خواسته‌های ناحق شورشیان باشد، خواه همکاری با ظریف و وزیر خارجه بالقوه قلمدادکردن وی. اصلا هم اهمیتی ندارد که در این مسیر و در آینده چه بلایی بر سر کشور خواهد آمد. نئولیبرال‌های اصلاح‌خواه ابایی از افتادن به ورطه سکولاریسم نیز نداشته و اگر شرایط اقتضا کند، این مطالبه را نیز علم کرده و خواهان جدایی دین از سیاست شده و حتی حکومت پارلمانی را نیز مطالبه می‌کنند. فرقی هم ندارد «شومنی چون ضرغام» باشد یا «تکنوکراتی چون...»؛ این جملات با این ادبیات اتفاق ناآشنایی از سوی برخی تندروها نیست، اما شدت حملات گویای آن است که شکاف جریان راست ظاهرا روزبه‌روز در حال عمیق‌ترشدن است.

اعتراضات و اصلاح امور؛ تقابل گفتمانی یا نزاع قدرت؟!

با ادعای محمدباقر قالیباف (چهره کانونی نواصولگرایی)، عزت‌الله ضرغامی (اصولگرای معتدل)، مصطفی میرسلیم (طیف مؤتلفه) و... اکنون این گزاره مطرح است که نه‌تنها اصولگرایان، بلکه ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران، آماده آغاز روند اصلاحات مشروع در همه امور کشور است و تنها مانع به تداوم اعتراضات بازمی‌گردد؛ اما این گزاره اکنون خود به محل دعوای اصولگرایی تبدیل شده است. خوانش متفاوت و متضاد نواصولگرایان با چهره محوری‌شان یعنی محمدباقر قالیباف در برابر آنچه خوانش طیف اصولگرای سنتی یا سوپراصولگرایان با محوریت تندروها از اعتراضات دو ماه اخیر دارند، اگرچه نتیجه انتخابات اسفند ۹۸ و خرداد ۱۴۰۰ است، اما اتفاقی اجتناب‌ناپذیر جلوه می‌کند. به هر حال نوع ارزیابی، تحلیل و مواجهه این دو طیف کلان اصولگرایی از ریشه وقوع حوادث، تداوم آن و نهایتا میل به سمت اصلاحات مسئله‌ای نیست که بتوان آن را به خروجی انتخابات مجلس یازدهم و ریاست‌جمهوری سیزدهم تقلیل داد، چراکه اکنون شاهد تقابل دو گفتمان در اردوگاه اصولگرایی هستیم که بخشی از آن می‌تواند به انتخابات ارتباط داشته باشد.

در این میان دو گزاره وجود دارد؛ نخست آنکه این انشقاق گفتمانی به نزاع قدرت در آستانه پایان عمر مجلس فعلی و نیم‌نگاه قالیباف به مجلس آتی و حتی انتخابات ریاست‌جمهوری است؛ بنابراین آتش توپخانه طیف تندروها علیه نواصولگرایان به دلیل حرکت قالیباف، ذیل ادعای آغاز اصلاحات است تا به قول رجانیوز طیف خاکستری به سمت رئیس مجلس تمایل پیدا نکند. دوم آنکه این تلقی و باور وجود دارد که شرایط و بن‌بست کنونی در همه ابعاد کشور از اقتصاد و سیاست تا دیپلماسی، معیشت و... همگی محصول رفتار، تصمیمات و قدرت‌گیری طیف تندرو است که بخشی از مجلس یازدهم و کل بدنه دولت سیزدهم را در قبضه خود دارد بنابراین تأکید بر لزوم اصلاحات توسط نواصولگرایان اسم رمزی برای به‌حاشیه‌بردن سوپراصولگرایان از دولت و کل بدنه تصمیم‌گیری رئیسی است. ازاین‌رو نه‌تنها ادعای اصلاحات مورد حمله و هجمه تندروها قرار می‌گیرد، بلکه حتی برخی چهره‌های کلیدی از صادق محصولی تا مرتضی آقاتهرانی، محمدتقی نقدعلی، احمدحسین فلاحی، صالح جوکار و... خواستار برخورد قهریِ شدید با معترضان هستند.

بازی سیاسی یا...!

مجموع نکات فوق اگرچه وجود سطحی از اختلافات در اردوگاه اصولگرایی را گوشزد می‌کند، اما باید در نظر داشت که شاید این هجمه‌ها و شکاف کنونی در جریان راست نوعی بازی سیاسی یا همان تقسیم کار بین دو طیف نواصولگرایان (پلیس خوب) و سوپراصولگرایان (پلیس بد) باشد. البته این سناریو، سناریویی بدبینانه است که انطباقی هم با اقتضائات و واقعیت‌های کنونی فضای سیاسی کشور ندارد، چون با وجود آنکه اعتراضات اخیر به‌عنوان کاتالیزور این گسل در جبهه اصولگرایان عمل کرده است، ولی نمی‌توان اختلافات پیشین این دو طیف را در وقایعی مانند سیسمونی‌گیت و... فراموش کرد.

ضمن آنکه نباید و نمی‌توان این واقعیت را فراموش کرد که جامعه و افکار عمومی به‌ویژه در دوره جدید اعتراضات اساسا توجهی به هیچ‌کدام از احزاب، جریان‌ها و کنشگران سیاسی کشور نمی‌کند. حتی اصلاح‌طلبان با سکوت کسانی مانند سیدمحمد خاتمی، حسن روحانی، محمدجواد ظریف و ادعاهای اخیر بهزاد نبودی از نگاه معترضان عبور کرده‌اند؛ در این بین بدون شک اردوگاه اصولگرایی با همه طیف‌های متشکل به طریق اولی محلی از اعتبار ندارند. ازاین‌رو «تقسیم کار» نمی‌تواند گزاره چندان صحیحی تلقی شود.

جلیلی از سایه، در سایه

این روزها که دعوای نواصولگرایی و سوپراصولگرایی با محوریت لزوم اصلاحات بالا گرفته است، سعید جلیلی هم از سایه بیرون آمده است. جلیلی که برجسپ دولت در سایه را بر پیشانی دارد، در نشست دوشنبه با دانشجویان دانشگاه شاهد ادعا می‌کند هر دانشگاه می‌تواند یک دولت در سایه باشد. افزون بر آن این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در مراسم ۱۳ آبان تصریح کرد: «دشمن در برابر ملت ما به استیصال رسیده است، دشمنی که زمانی می‌گفت ایران اجازه ندارد حتی یک بشکه نفت بفروشد، می‌بیند امروز ایران بالاترین و گسترده‌ترین روابط اقتصادی را در سطح جهان برقرار می‌کند». اینها علاوه بر آن است که جلیلی هفتم آبان درباره ناآرامی‌های اخیر کشور در توییتی به سؤال چند جوان پاسخ داد. در متن توییت سعید جلیلی آمده است:

«سؤال اول: با زور و کتک نمی‌شود یک قطب جامعه را به سمت قطب دیگر کشاند؟ پاسخ: در همین مدت فقط در تهران شش نفر از مدافعان امنیت که می‌گویند قدرت و اسلحه در دست دارند شهید شدند، درحالی‌که کسی از طرف مقابل کشته نشده است. قدرت انقلاب اسلامی، قدرت نرم است؛ سؤال دوم: فرقی نمی‌کند که چه چیزی را بخواهید با نیروی نظامی به مردم تحمیل کنید، مردم از آن متنفر می‌شوند؟ پاسخ: فتنه۸۸، هشت ماه طول کشید، چون نظام نمی‌خواست از قدرت سخت استفاده کند. باید شبهه‌ای که برای جامعه ایجاد شده بود، برطرف می‌شد». مضافا سعید جلیلی در دیدار نهم آبان با خانواده آرمان علی‌وردی، بیان کرد: «آرمان انقلاب اسلامی رویش جوانانی چون شهید علی‌وردی است. حمله به آرمان عزیز با وحشیانه‌ترین شکل، نشان سرخوردگی دشمن از بالندگی آرمان انقلاب اسلامی است».

در کنار این موضع‌گیری‌ها و توییت‌زنی‌های سعید جلیلی انتصاب حجت عبدالملکی به عنوان دبیری شورای عالی مناطق آزاد، آن هم تنها به فاصله چند ماه بعد از استعفایش که نوعی فرار روبه‌جلو و جلوگیری از استیضاح مجلس بود، نشان می‌دهد که جلیلی به‌دنبال پوست‌اندازی و آغاز فعالیت‌های جدیدی است، چراکه این انتصاب را منسوب به جلیلی می‌دانند. اگرچه این انتصاب عبدالملکی نیز مانند انتخاب او به‌عنوان وزیر کار با انتقادهای زیادی روبه‌رو شده است، اما می‌تواند سرآغاز تلاش‌های تازه جلیلی برای حفظ نزدیکان خود در دولت قلمداد شود. در این راستا حتی اخباری مبنی بر فشار به رئیسی برای برکناری علی شمخانی از دبیری شورای عالی امنیت ملی و جایگزین‌کردنش با سعید جلیلی هم مطرح است. با وجود این باید اذعان کرد که جلیلی چه به جایگاه قبلی خود در شورای عالی امنیت ملی بازگردد یا خیر، بر کسی پوشیده نیست که او از چه نفوذی در این شورا برخوردار است، به‌گونه‌ای که سایه سنگین جلیلی بر دولت سیزدهم و شورای مذکور عملا دست رئیسی و وزارت امور خارجه را هم در بحث مذاکرات وین و احیای برجام بسته است. مورد مشخص آن تئوری پاییز و زمستان سرد بود که در به‌شکست‌رسیدن مذاکرات نقش داشت. حال سعید جلیلی که در سایه قرار داشت و نفوذ را به حضور ترجیح می‌داد، با خروج از سایه به سهم خود در تلاش برای تقابل با جریان نواصولگرایی است که نیم‌نگاهی به اصلاح ساختار دارد.